

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۲	سپاسگزاری
۱۳	کلیاتی دربارهٔ بحرین
۲۱	مروری بر گذشته‌های دور بحرین عرب‌ها خلیج فارس را شلوغ می‌کنند؛
۳۱	افول قدرت ایران در منطقه ۱۸۱۷-۱۷۲۲ جست‌وجوی انگلیس برای دستیابی به پایگاه در خلیج فارس و آغاز شکل‌گیری مناقشه
۴۳	بر سر بحرین ۱۸۹۲-۱۸۲۰ انگلیس شرق سوئز و خلیج فارس را ترک می‌کند
۱۲۹	۱۹۶۹ - ۱۹۶۸ توسل به سازمان ملل متحد
۱۴۹	(به‌کارگیری مساعی جمیله) ۱۹۷۰-۱۹۶۹
۱۷۷	فرایند توسل به سازمان ملل متحد ۱۹۷۱-۱۹۷۰
۱۸۳	مروری بر آنچه گذشت
۱۹۷	ضمائم
۲۲۳	منابع
۲۲۶	نمایه

پیشگفتار

روایت آشنایی ام با قضیه بحرین عمری چهل و چندساله دارد. در ۱۳۴۷ اداره جدید سیاسی در وزارت امور خارجه تحت عنوان «اداره نهم سیاسی» تأسیس می‌شود تا کلیه امور مربوط به منطقه خلیج فارس در آن تمرکز یافته و سامان گیرد. ایجاد چنین واحدی در ساختار وزارت امور خارجه، با توجه به اهمیت روزافزون منطقه خلیج فارس اقدامی ضروری می‌بود. مسئله بحرین در حیطه وظایف این اداره قرار می‌گرفت. در اواخر سال ۱۳۴۷، به‌عنوان سرپرست این اداره منصوب می‌شوم. از همین زمان است که آشنایی ام با مسئله بحرین آغاز و تداوم می‌یابد و تا آخر این ماجرا همچنان همراه و هم‌سفر باقی می‌مانم. در این فاصله ضرب‌الاجل خروج انگلیس از منطقه پایان سال ۱۹۷۱، تعیین و اعلام شد. آغاز فصل جدیدی که پس از خروج انگلیس از منطقه انتظارش می‌رفت، زمانی می‌توانست با مشارکت مؤثر ایران شکل گیرد که اختلافات کهنه ارضی در منطقه به نحوی فیصله می‌یافت و راه برای همکاری‌های جدید منطقه‌ای هموار و آماده می‌شد. از قضا حل مشکل بحرین اولویت نخست می‌بود.

دعوی مالکیت بر بحرین ارثیه‌ای از گذشتگان و حق تاریخی صاحب نامی بود که با احساسات ملی در طول زمان عجین و هم‌بستر شده بود. طومار کار به صورتی که بسته شد شاید از دیدی با آن همه بستگی‌های عمیق عاطفی و مردمی سازگاری و همگونی نداشت.

فرصت‌ها در ۱۹۷۰، واقعاً چگونه بود؟ آیا راه بهتری ممکن بود پیش گرفته می‌شد که از سر غفلت چنین نشد و یا آنچه صورت پذیرفت طریقی صواب و گامی حساب‌شده و عاقبت به‌خیر می‌بود؟ این پرسش‌ها و سؤالات دیگری از این نوع قابل طرح و هر پرسشی مستحق توجه و جواب است. من یکی از بازماندگان همان گروه کوچکی هستم که در وزارت امور خارجه با این مهم سروکار داشت، ولی باید اذعان کرد از این تردید و تشکیک‌ها خاطری آسوده نداشته‌ام. چه بسا همین عامل تردید بود که به‌صورت انگیزه‌ای درآمد که در این ایام واپسین دربارهٔ بحرین به اختصار تحقیق و تأملی کنم؛ جست‌وجو و کنکاشی آزاد که شاید در عین حال پاسخی به دغدغه‌ها باشد.

در تهیهٔ این نوشته از اسناد وزارت خارجهٔ انگلیس، اسناد وزارت خارجهٔ آمریکا و اسناد سازمان ملل استفاده کرده‌ام. از آثار پاره‌ای نویسندگان ایرانی و خارجی نیز در تنظیم این اوراق بهره گرفته‌ام. در جمع این آثار، کتاب فریدون آدمیت تحت عنوان بررسی حقوقی و دیپلماتیک اختلاف بریتانیا - ایران بر سر جزایر بحرین به صورت منبع شاخص در ارتباط با قضیهٔ بحرین در مسیر تحولات قرن نوزدهم مورد مراجعهٔ گسترده‌ام بوده است. در تحقیقات موجود به‌نظر نمی‌آید قصهٔ بحرین تا انتها به‌طور کامل نقل شده باشد. در کتاب آدمیت نیز کاروان تحقیق و تفحص فراتر از سال ۱۹۴۷، حرکتی ندارد.

این نوشته داستان بحرین را از روزگاران قدیم تا وقایع چند دههٔ اخیر دنبال می‌کند و بر اسناد و گزارشات رسمی - روایتی اتکا دارد، در عین حال به رعایت آداب تحقیق علمی ملزم و مقید است. این اوراق ممکن است در صف نه‌چندان مطول کتب هم‌اسم و هم‌محتوا در نهایت جایی پیدا کند.

حدود چهل سال است که از ماجرای بحرین می‌گذرد، ولی در باب فرجام کار سخن و مطالب چندانی نمی‌شنویم و سراغ نداریم. شایع است که خصوصاً در محفل دانشجویان داخل و خارج از کشور اخیراً رغبت و تمایلی نسبت به تحقیق و کاوش دربارهٔ قضیهٔ بحرین ابراز می‌شود که ممکن است منجر به ظهور تألیفات معتبر دانشگاهی در این باره شود. این دورهٔ بی‌مهری و غریبگی باید پایان پذیرد. با برخورداری از تنوع در آثار و آگاهی از دیدگاه‌های گوناگون است که

پیشگفتار ۱۱

می‌توان منصفانه دربارهٔ قضیهٔ بحرین به داوری نشست. «یادی از آن استان آشنای گمشده»، نوشته‌ای است بی‌پیرایه که با همان هدف تنظیم شده و در تأمین همان هدف منتشر می‌شود.

فریدون زندفرد

پاییز سال ۱۳۸۹

سپاسگزاری

در تهیه این نوشته تنی چند از دوستان مشفق که همان همکاران سابق در وزارت امور خارجه باشند، کمک و یاری ام کردند. جواد هاشمیان پیش‌نویس اوراق را به‌دقت مرور و هر بار نکات سودمندی را یادآوری می‌کرد. سیف‌الله صادقی و منوچهر پیشوا، دو تفنگدار از همان گروه معروف اداره نهم سیاسی، با بصیرت در امر کامپیوتر و اینترنت مدارک و اطلاعات مفیدی را در اختیارم گذاردند. از این دوستان صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، تأمین‌کننده اصلی نیازهای تحقیقاتی ام می‌بود. کتابخانه در حال حاضر به صورت مرکزی مجهز و توانمند ابفای نقش می‌کند. کارکنان جملگی همراه و شایق بودند. علی‌جامه‌بزرگ، چون گذشته، نه به عنوان مسئول قسمت مربوطه کتابخانه که در مقام فرزندی خلف در خدمت پدری سالخورده می‌بود. کتب و اسناد و مدارک مختلف و عمدتاً سنگین را از گوشه و کنار و طبقات عدیده کتابخانه‌ای وسیع با حوصله و بردباری جمع‌آوری و با خوش‌رویی در اختیارم قرار می‌داد؛ کوششی که استمرار داشت. از او تشکر می‌کنم و برایش آرزوی سلامت و موفقیت دارم.